

سنجش نگرش و ادراکات دانشجویان و دانش‌آموختگان کارشناسی‌ارشد نسبت به نقش برنامه‌های درسی رشته تحصیلی خود در کسب مهارت‌های شغلی، انتظارات شغلی و شانس اشتغال آن‌ها

مریم اکیدی

چکیده

هر هدف کلی این پژوهش سنجش نگرش و ادراکات دانشجویان و دانش‌آموختگان کارشناسی‌ارشد رشته‌های کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز نسبت به نقش برنامه‌های درسی رشته تحصیلی خود در کسب مهارت‌های شغلی، انتظارات شغلی و شانس اشتغال آن‌ها می‌باشد. پژوهش حاضر از حیث هدف، کاربردی؛ و از حیث ماهیت، توصیفی-پیمایشی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان و دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی‌ارشد رشته‌های کشاورزی پنج گروه آموزشی دانشکده کشاورزی دانشگاه شهیدچمران اهواز طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ و همچنین دانشجویان حاضر است که هنوز تحصیلات خود را به پایان نرسانیده‌اند (N=۵۷۷). با توجه به اهمیت موضوع و تعداد جامعه آماری، نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت سرشماری انجام شد و بدین ترتیب تمام اعضای جامعه آماری به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش پرسش‌نامه‌ای تهیه شده توسط مقدم (۱۳۹۲) است. پرسش‌نامه مذکور دارای ۵۲ سؤال بود که ۶ خرده‌مقیاس (دیدگاه نسبت به رشته تحصیلی، تقویت دانش تئوری، تقویت دانش عملی، تأثیر دانشگاه محل تحصیل، رشد حرفه‌ای، نگاه جامعه) را می‌سنجد. برای سنجش روایی پرسش‌نامه مورد نظر، از روایی صوری استفاده شد و همچنین برای بررسی پایایی ابزار پژوهش از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید ($\alpha = 0.89$). برای تحلیل نتایج سؤال شماره ۱ با استفاده از آمار توصیفی شامل فراوانی و درصد، سؤالات شماره ۲ تا ۷ از آمار استنباطی رگرسیون و سؤالات شماره ۸ تا ۱۱ نیز از آزمون آماری واریانس چند راهه استفاده شد. تحلیل نتایج بیانگر این است که تقریباً ۳۳ درصد از واریانس مهارت‌های شغلی دانشجویان و دانش‌آموختگان از طریق بررسی نگرش و انتظارات شغلی دانشجویان و دانش‌آموختگان قابل تبیین است. نتایج مشخص کرد که بین ادراک از دروس نظری دانشجویان و دانش‌آموختگان و مهارت‌های شغلی آن‌ها رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین آزمون همبستگی بین دو متغیر ادراک و نگرش دانشجویان و دانش‌آموختگان نسبت به دروس عملی و مهارت‌های شغلی کسب شده توسط آنها نشان داد که رابطه مثبت و معناداری میان نگرش نسبت به دروس عملی و مهارت‌های شغلی دانشجویان و دانش‌آموختگان وجود دارد. از دیگر یافته‌های این پژوهش این بود که بین ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان در زمینه دروس نظری و نگرش تحصیلی آنها همبستگی بالایی وجود داشت، با وجود اینکه بین ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان نسبت به دروس عملی و نگرش و انتظارات شغلی آنها رابطه‌ی معناداری وجود دارد، ولی این رابطه نسبت به دروس نظری در سطح پایین‌تری قرار دارد. همچنین نتایج به دست آمده نشان دهنده این بود که در زمینه نگرش و انتظارات شغلی دانشجویان و دانش‌آموختگان بین دختران و پسران تفاوت معناداری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: انتظارات شغلی، برنامه‌های درسی، شانس اشتغال، مهارت‌های شغلی، کشاورزی

مقدمه و بیان مسأله

پیشرفت سریع فناوری و فراگیری دانش که زمینه‌ساز ورود به عصر اطلاعات و تشکیل جوامع دانش‌بنیان است، در حال ایجاد فضای جدیدی در سطح جهانی است که پیچیدگی‌های خاص خود را به همراه می‌آورد. پیچیدگی‌های پیش رو به خصوص در کشورهای در حال توسعه مسأله‌ی مدیریت جامعه را با چالش‌های جدیدی مواجه می‌کند. دانش و فناوری می‌روند تا سکوی اول عاملیت را در مناسبات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع از آن خود کنند. کشورهایی که به این مهم پی‌برده‌اند با درک صحیح از اهمیت جایگاه فناوری و اهمیت ساختارسازی و تحلیل و رصد دائمی عوامل تعیین‌کننده در این عرصه از جمله بازنگری در روابط ارکان اصلی (دولت، دانشگاه و جامعه)، خواهان آن هستند که در عرصه جهانی کنش‌گر باشند (طاعتی و بهرامی، ۱۳۸۸). از طرفی پدیده عدم اشتغال و سوء اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی را می‌توان مسئله‌ای به حساب آورد که از اوایل دهه ۷۰ هجری شمسی در ایران بروز کرده است و هر سال حادثتر می‌شود. چشم‌انداز آینده نیز در صورت ادامه روند کنونی بی‌گمان، مهم‌تر خواهد بود. از این رو شناخت وضع موجود و یافتن علت ناهماهنگی‌های عرضه و تقاضا برای طراحی برنامه‌های تربیت نیروی انسانی دارای اهمیت فراوان است. پژوهشگران، کیفیت پایین نیروی کار جوان و بالا بودن نرخ بیکاری را به نامناسب بودن آموزش‌های ارائه شده مرتبط می‌دانند (همتی و همکاران، ۱۳۸۶). هر چه دانشگاه و آموزش عالی بیشتر محل توجه و تقاضا واقع می‌شود، حساسیت نسبت به اعتبار سنجی آن، اطمینان از پاسخگویی اجتماعی آن، و تضمین کیفیت آن، نیز بیشتر اهمیت پیدا می‌کند (ایتن، ۲۰۰۶). فراهم آوردن دانش و مهارت‌های مورد نیاز نیروی کار آتی، یکی از مستقیم‌ترین و بدیهی‌ترین راه‌هایی است که آموزش عالی می‌تواند به توسعه اقتصادی کمک کند. از طرف دیگر فراهم کردن شرایط و امکانات لازم برای نیروهای انسانی ماهر و کارآزموده جهت ورود به بازار کار از مهم‌ترین اقدامات و پیش‌بینی‌هایی است که دولت مردان و برنامه‌ریزان می‌بایست جهت پیشبرد برنامه‌های توسعه خود اعمال نمایند (هال، ۱۳۷۳). در راستای آنچه که بیان گردید، بازنگری برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها اهمیت بسیاری پیدا می‌کند. عدم موفقیت دانش‌آموختگان در تصدی شغل مناسب، از جمله موضوعاتی است که در دهه‌های اخیر همواره مورد توجه جدی مسؤولان و صاحب‌نظران بوده است. در تحلیل علل این معضل اجتماعی، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد؛ برخی اقتصاد مونتاز و بازار کار ناسالم را مقصر می‌دانند و برخی سرعت تغییرات و تحولات دانش و فناوری در جهان امروز را و برخی عدم صلاحیت و تخصص دانش‌آموختگان را به عنوان عامل اصلی معرفی می‌کنند. در حال حاضر نظام آموزش عالی یکی از ارکان آموزش و پرورش نیروهای متخصص در کشورمان است که با توجه به تحقیقات و بررسی‌های انجام شده در زمینه ارزیابی نظام آموزشی می‌توان اعلام کرد که بنا به دلایل متعدد دست‌یابی به هدف تربیت نیروهای متخصص و کارآمد و ایجاد اشتغال برای این نیروها در سطح جامعه محقق نشده است (نظری‌کنولی و همکاران، ۱۳۸۰). در این زمینه پژوهش‌های مختلفی انجام شده از جمله شرح شریفی (۱۳۹۱)، فرجی‌ارمکی و دشتکی (۱۳۹۰)، شادفر و همکاران (۱۳۹۰)، دیباواجاری (۱۳۹۰)، آقادات (۱۳۸۹)، سعیدی رضوانی و همکاران (۱۳۸۹)، دفتر آمار کار ایالات متحده (۲۰۱۲)، مدیریت جهانی تحصیلات تکمیلی (۲۰۱۲)، نورتون (۲۰۰۸)، ولیگامیج (۲۰۰۹) و ویلیامز (۲۰۰۸). به طور کلی، نتایج پژوهش‌های آنها نشان‌دهنده این است که در حال حاضر یکی از مشکلات و بحران‌های اجتماعی، مسئله‌ی اشتغال و آینده‌ی شغلی جوانان به ویژه دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و تأمین انتظارات آنان است (تریلون و وولا، ۲۰۰۸). همچنین پژوهش‌ها نشان داده است که ضروری است ویژگی‌های شغلی دانش‌آموختگان تقویت شود (الکساندر، ۲۰۰۶؛ هوبان و همکاران ۲۰۰۴؛ کمیرو لیانگ، ۲۰۰۴؛ نقل تریلیون و وولا، ۲۰۰۸). یکی از مشکلات و بحران‌های اجتماعی و نگرانی اصلی آموزش عالی امروز، مسئله اشتغال و آینده شغلی جوانان به ویژه دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و تأمین انتظارات آنان است (تریلون و وولا، ۲۰۰۸؛ نقل در مقدم، ۱۳۹۲). بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی یکی از چالش‌های مهم و شاید از مهم‌ترین چالش‌های کنونی دنیا است و جوامع در حال توسعه، درگیری جدی تری با این مسئله دارند (شرح شریفی، ۱۳۹۱) و این چالش‌ها متأثر از علل گوناگونی است که از جمله آن علل، ناکارآمدی برنامه‌های درسی و دوره‌های آموزشی دانشگاه‌ها در پاسخگویی به نیازهای بازار کار و صنعت برای ایجاد نیروی انسانی ورزیده و ماهر است. (شرح شریفی،

۱۳۹۱؛ حجازی و همکاران، ۱۳۹۰؛ دیباواجاری، ۱۳۹۰؛ فیض پور، ۱۳۹۰؛ عالی و حسینقلی زاده، ۱۳۹۰؛ شادفر و همکاران، ۱۳۹۰؛ خسروی پور و منجم زاده، ۱۳۸۹؛ سعیدی رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹؛ پورکاظمی، ۱۳۸۸؛ باقری، ۱۳۸۸؛ سبحانی نژاد و افشار، ۱۳۸۷؛ رحمانی و نظری کتولی، ۱۳۸۲؛ دفتر آمار کار ایالات متحده، ۲۰۱۲؛ ویکرامسینگھی و پریرا، ۲۰۱۰؛ ولیگامیج، ۲۰۰۹؛ نورتون، ۲۰۰۸). بنابراین با توجه به توضیحاتی که در بالا به آن اشاره گردید و همچنین اهمیت بحث اشتغال و نرخ ۱۹/۴ در صدی بیکاری در سال های اخیر در بین دانش آموختگان آموزش عالی کشور، در پژوهش حاضر سعی بر این است که میزان موفقیت دانشگاه ها در تحقق رسالت مورد نظر با توجه به نگرش ها و انتظارات شغلی دانشجویان و دانش آموختگان نسبت به برنامه های درسی در دانشگاه و فرصت های شغلی پیش روی آنها مورد مطالعه قرار گیرد.

پیشینه‌ی پژوهش

شورای مدیریت جهانی تحصیلات تکمیلی (۲۰۱۲) پژوهشی با هدف روند استخدام دانش آموختگان رشته مدیریت آموزشی انجام دادند. نتایج پژوهش در رابطه با روند استخدام بیش از ۵۴۰۰ دانش آموخته رشته مدیریت آموزشی در سراسر جهان نشان داد ۶۲ درصد از دانش آموختگان جویای کار رشته مدیریت آموزشی در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۲۰۱۲ استخدام شده اند و یا تا زمان انجام این پژوهش پیشنهاد کار دریافت کرده‌اند (مقدم، ۱۳۹۲).

ولیگامیج (۲۰۰۹) پژوهشی با هدف بررسی نیازهای بازار کار و انتظارات شغلی دانش آموختگان و کارفرمایان انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که بین نیازهای بازار کار و انتظارات شغلی دانش آموختگان و کارفرمایان تطابق وجود ندارد. وی بیان کرد با افزایش سطح تحصیلات فرد، احتمال بیکاری بیشتر است. این وضعیت ناشی از میزان بالای ورود نیروی کار به بازار از یک سو و گسترش رکود اقتصادی از سوی دیگر و عدم تولید اشتغال به دلیل کمبود بودجه و نبود برنامه‌ریزی سازمانی است. به علاوه او معتقد است بسیاری از دانش آموختگان، اشتغال در بخش دولتی را ترجیح می دهند که این نیز عاملی در افزایش بیکاری این طبقه محسوب می شود.

تورکر و سلکوک ۱ (۲۰۰۹) در پژوهش خود به بررسی عوامل مؤثر بر کار آفرینانه دانشجویان پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که دو عامل: محیط دانشگاهی و عمل ساختاری حمایت کننده (مانند اقتصادی که فرصت های زیادی برای کار آفرینان فراهم می سازد) قصد کار آفرینانه دانشجویان را تحت تأثیر قرار می دهد. آنها بیان داشتند که اگر دانشگاه، دانش و انگیزه کافی برای کار آفرینی را فراهم سازد، احتمال انتخاب یک حرفه ی کار آفرینانه، توسط افراد جوان افزایش پیدا می کند.

نورتون (۲۰۰۸) در پژوهش خود به بررسی علل مهم اشتغال از نظر دانش آموختگان دانشگاه پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد حدود ۹۰ درصد از دانش آموختگان آموزش عالی نهایتاً تا سه سال و نیم پس از پایان تحصیلات شاغل شده اند. علل مهم اشتغال از نظر دانش آموختگان، ملاحظات علمی مانند تدریس خوب، ساختار و محتوای دوره ها، برنامه درسی مرتبط، امکانات خوب دوره، درک نگرش ها و انتظارات فعلی دانش آموختگان است.

رابینسون و همکاران ۲ (۲۰۰۷) پژوهشی درباره «احراز مشاغل مختلف کشاورزی توسط دانش آموختگان رشته های کشاورزی در آینده» انجام دادند. نتایج پژوهش ایشان نشان داد که داشتن انگیزه و نگرش مثبت؛ توانایی کار کردن با دیگران؛ و توانایی کار به طور مستقل، مهم ترین عوامل مؤثر در کسب شغل در آینده هستند.

کانن ۳ (۲۰۰۵) نیز در پژوهش خود به بررسی عدم تمایل داوطلبان ورود به دانشگاه ها به رشته کشاورزی پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان داد که داوطلبان ورود به دانشگاه ها در آمریکا بنا به دلایل متعدد، گرایشی برای ورود به رشته های

^۱.Turker&Selcuk

^۲ Robinson et al

کشاورزی ندارند. این دلایل عبارتند از: کاهش نقش بخش کشاورزی نسبت به صنعت در رشد اقتصادی در دهه های ۷۰ و ۸۰، افزایش شدید قیمت‌ها، تبلیغات سوء رسانه های خبری درباره کشاورزی و بزرگ نمایی مشکلات زندگی روستایی و کشاورزی و فقدان دانش و مهارت های حرفه ای دانش آموختگان کشاورزی.

ورسپچ و همکاران (۲۰۰۴) در پژوهش خود به بررسی انتظارات شغلی دانش آموختگان مدارس کشاورزی فنلاند پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که دانش آموختگان، مشاغلی را ترجیح می دهند که ویژگی هایی چون: اهداف بیرونی (مانند درآمد خوب، مزایا، اضافه حقوق و...)، اهداف درونی (مانند یک کار جالب، نو و...) و اهداف بیانی (مانند داشتن امکان توسعه ظرفیت های حرفه ای و ...) و اهداف اجتماعی (مانند: ارتباطات اجتماعی با دیگر مردم و ...) را دارا باشد (مقدم، ۱۳۹۲).

مقدم (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان «بررسی نگرش دانشجویان و دانش آموختگان کارشناسی ارشد گروه علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز درباره نقش برنامه های درسی رشته تحصیلی خود، بر رشد مهارت های شغلی و شانس اشتغال آن ها» انجام داد. یافته های این پژوهش حاکی از این است که نگرش دانشجویان و دانش آموختگان مورد نظر نسبت به برنامه درسی رشته تحصیلی شان قادر به پیش بینی انتظارات شغلی و میزان رشد مهارت های شغلی آنان است. بین نگرش دانشجویان و دانش آموختگان نسبت به دانشگاه محل تحصیل با انتظارات شغلی و مهارت های شغلی آنان همبستگی مثبت معنا دار وجود دارد. عامل جنسیت بر نگرش گروه نمونه نسبت به برنامه درسی رشته تحصیلی شان، انتظارات شغلی و مهارت های شغلی آنان اثر معنی داری داشته است. عامل رشته و تعامل دو فاکتور رشته و جنسیت بر انتظارات شغلی و مهارت های شغلی نمونه تأثیر معناداری داشته است.

در پژوهش حکمتی و فیروزآبادی (۱۳۹۰) با عنوان «بررسی وضعیت اشتغال دانش آموختگان کشاورزی استان کرمان» نتایج پژوهش نشان داد که بخش کشاورزی ۱۲ درصد از تولید ناخالص داخلی و ۲۲ درصد سهم اشتغال و ۱۵ درصد صادرات غیرنفتی را در بر می گیرد و تأمین کننده ۹۰ درصد مواد اولیه صنایع کشاورزی و غذایی کشور است که اهمیت به سزایی در ایجاد فرصت های شغلی جدید داشته و باعث شده هر ساله تعداد زیادی از جوانان به منظور اشتغال در حرفه کشاورزی داوطلب تحصیل در این رشته باشند. از افراد مورد بررسی ۱۰ درصد در مقطع کاردانی، ۷۵ درصد در مقطع کارشناسی، ۱۰ درصد در مقطع کارشناسی ارشد و ۵ درصد دارای مدرک دکتری تخصصی بودند که تأیید کننده هرم نا متعادل مقاطع تحصیلی در استان کرمان می باشد. از بین این افراد ۶۵ درصد دانش آموختگان، از خانواده های کشاورز بوده و یا به نحوی با کشاورزی ارتباط قبلی داشته اند. از نظر سنی افراد نمونه کلاس بندی شدند و بیشترین فراوانی مربوط به کلاس ۲۵ تا ۲۸ سال بودند که ۳۰ درصد می باشد. در این بررسی بالاترین نرخ بیکاری به دارندگان مدرک کارشناسی تعلق دارد و بیشترین تعداد بیکار مربوط به رشته زراعت می باشد. اغلب دانش آموختگان بیکار، دلیل بیکاری خود را نیافتن شغل مناسب و مرتبط با رشته تحصیلی خود عنوان کرده اند. اغلب دانش آموختگان اظهار داشتند که در صورت فراهم بودن امکانات به کار تولیدی علاقه مند هستند و بیشتر از متوسط درآمد یک خانوار در کل کشور، توقع درآمندی ندارند.

نتایج پژوهش دارابی و دستجردی (۱۳۹۰) با عنوان «بررسی وضعیت اشتغال پایدار دانش آموختگان کشاورزی و چالش موجود»، نشان داد که از میان ۳۵۰ نفر از دانش آموختگان هنرستان کشاورزی طی سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸ در شهرستان داراب، ۴۰ درصد در مقاطع مختلف موفق به ادامه تحصیل شدند و ۱۵ درصد به فعالیت های کشاورزی و شغل پدری خود ادامه دادند. ۴۵ درصد نیز به مشاغل مرتبط با کشاورزی پرداختند. همچنین از میان ۲۱۰ نفر از دانش آموختگان دانشکده کشاورزی دانشگاه آزاد و پیام نور این شهرستان که در طی این مدت مورد پرسش قرار گرفتند، ۴۰/۵ درصد در بخش های مرتبط با کشاورزی و ۵۹/۵ درصد نیز یا بیکار بوده و یا در حوزه های غیر مرتبط با کشاورزی مشغول به کار می باشند. از

دلایل بروز این مشکل می‌توان به تعداد زیاد دانش‌آموختگان، آموزش‌های غیرکاربردی، توسعه ناپایدار این بخش و دیدگاه سودجویانه نسبت به منابع طبیعی اشاره کرد.

سؤالات پژوهش

۱. وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی‌ارشد رشته‌های کشاورزی گروه‌های پنج‌گانه دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز چگونه است؟
۲. آیا بین نگرش تحصیلی و انتظارات شغلی دانشجویان و دانش‌آموختگان مورد نظر با مهارت‌های شغلی کسب شده آن‌ها در طی دوره تحصیل، رابطه معنادار وجود دارد؟
۳. آیا بین ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان مورد نظر نسبت به دروس نظری رشته تحصیلی خود با مهارت‌های شغلی کسب شده آن‌ها در طی دوره تحصیل، رابطه معنادار وجود دارد؟
۴. آیا بین ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان مورد نظر نسبت به دروس عملی رشته تحصیلی خود با مهارت‌های شغلی کسب شده آن‌ها در طی دوره تحصیل، رابطه معنادار وجود دارد؟
۵. آیا بین ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان مورد نظر نسبت به دروس نظری رشته تحصیلی خود با نگرش تحصیلی و انتظارات شغلی آن‌ها رابطه معنادار وجود دارد؟
۶. آیا بین ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان مورد نظر نسبت به دروس عملی رشته تحصیلی خود با نگرش تحصیلی و انتظارات شغلی آن‌ها رابطه معنادار وجود دارد؟
۷. آیا بین دانشجویان و دانش‌آموختگان دختر و پسر مورد نظر در زمینه نگرش تحصیلی و انتظارات شغلی آن‌ها تفاوت معنادار وجود دارد؟
۸. آیا بین ادراکات دانشجویان و دانش‌آموختگان دختر و پسر مورد نظر در ادراک از دروس نظری رشته تحصیلی خود تفاوت معنادار وجود دارد؟
۹. آیا بین ادراکات دانشجویان و دانش‌آموختگان دختر و پسر مورد نظر در ادراک از دروس عملی رشته تحصیلی خود تفاوت معنادار وجود دارد؟
۱۰. آیا بین ادراکات دانشجویان و دانش‌آموختگان دختر و پسر مورد نظر نسبت به مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای کسب شده آن‌ها در طی دوره تحصیلی، تفاوت معنادار وجود دارد؟
۱۱. آیا بین دانشجویان و دانش‌آموختگان دختر و پسر رشته‌های مورد نظر در زمینه انتظارات شغلی آن‌ها تفاوت معنادار وجود دارد؟

روش پژوهش، جامعه آماری، روش نمونه‌گیری

روش این پژوهش با توجه به تمرکز بر وضع موجود، توصیفی - پیمایشی خواهد بود. در این پژوهش نگرش دانشجویان و دانش‌آموختگان نسبت به برنامه‌ی درسی رشته تحصیلی خود، انتظارات شغلی و شانس اشتغال آنان پس از طی دوره تحصیلی توصیف و ارائه خواهد شد و چون در جست و جوی رابطه بین این متغیرها است، یک تحقیق همبستگی نیز محسوب می‌شود.

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان و دانش آموختگان مقطع کارشناسی ارشد رشته های کشاورزی پنج گروه آموزشی دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز طی سال های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ و همچنین دانشجویان حاضر که هنوز تحصیلات خود را به پایان نرسانیده اند می باشد که در مجموع ۵۵۷ نفر هستند.

با توجه به اهمیت موضوع و تعداد جامعه آماری، نمونه گیری در این پژوهش به صورت سرشماری خواهد بود و بدین ترتیب تمامی اعضای جامعه آماری به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شدند.

ابزار جمع آوری اطلاعات

ابزار جمع آوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه ای تهیه شده توسط مقدم (۱۳۹۲) بود. اطلاعات آماری در نظر گرفته شده در این پرسشنامه شامل، رشته تحصیلی، سن، جنسیت، وضعیت اشتغال، تناسب شغل با رشته تحصیلی و معدل آزمودنی ها در مقطع کارشناسی ارشد است. پرسشنامه مذکور دارای ۶ خرده مقیاس شامل دیدگاه نسبت به رشته تحصیلی، تقویت دانش تئوری، تقویت دانش عملی، تأثیر دانشگاه محل تحصیل، رشد حرفه ای، نگاه جامعه و سؤالات مربوط به افراد شاغل هنگام تحصیل و قبل از آن است. در مجموع پرسشنامه دارای "۵۲" گویه است که نمره گذاری آن بر اساس مقیاس پنج درجه ای (۵=کاملاً موافقم، ۴= موافقم، ۳= تا حدودی، ۲= مخالفم، ۱= کاملاً مخالفم) تنظیم شد.

روایی و پایایی ابزار پژوهش

با توجه به اهداف این پژوهش، برای سنجش عملکرد پرسشنامه های مورد نظر، از روایی صوری استفاده شده است. روایی صوری این پرسشنامه قبلاً توسط اساتید علوم تربیتی در پژوهش مقدم (۱۳۹۲) مورد تایید قرار گرفته است و در این پژوهش نیز به تأیید صاحب نظران مورد نظر رسیده است. همچنین در پژوهش حاضر جهت بررسی پایایی ابزار پژوهش از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید. نتایج مربوط به ضریب پایایی هر یک از پرسشنامه های پژوهش و مؤلفه های آنها در جداول شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: پایایی پرسشنامه پژوهش

تعداد شرکت کنندگان	شماره گزینه ها	آلفای کرونباخ	ابعاد پرسش نامه
۵۷۷	۱ - ۸	۰/۷۴	دیدگاه نسبت به رشته تحصیلی
۵۷۷	۹ - ۱۵	۰/۸۷	تقویت دانش تئوری
۵۷۷	۱۶ - ۲۲	۰/۸۴	تقویت دانش عملی
۵۷۷	۲۳ - ۳۲	۰/۹۱	تأثیر دانشگاه محل تحصیل
۵۷۷	۳۳ - ۳۸	۰/۷۸	رشد حرفه ای
۵۷۷	۳۹ - ۵۰	۰/۷۳	نگاه جامعه
۵۷۷	۵۲	۰/۸۹	کل پرسش نامه

یافته های پژوهش

سؤال اول: وضعیت اشتغال دانش آموختگان مقطع کارشناسی ارشد رشته های کشاورزی گروه های پنج گانه دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز چگونه است؟

نتایج تحلیل سؤال بالا نشان دهنده این بود که از بین شرکت کنندگان در پژوهش در مجموع ۴۸ نفر شاغل و ۲۲۶ نفر فاقد شغل می باشند. بیشترین میزان اشتغال در گروه گیاه پزشکی با اشتغال ۲۳ درصدی و کمترین آن در گروه باغبانی با

۱۱ درصد اشتغال بوده است. میزان اشتغال بقیه گروه ها نیز بین این دو درصد می باشند. به طور کلی، ۱۷/۵۲ درصد از افراد نمونه شاغل و ۸۲/۴۸ درصد بیکار هستند.

سؤال دوم: آیا بین نگرش تحصیلی و انتظارات شغلی دانشجویان و دانش آموختگان مورد نظر با مهارت‌های شغلی کسب شده آن‌ها در طی دوره رابطه معنادار وجود دارد؟

جدول ۲: خلاصه مدل

مدل	مقدار R	R^2	R^2 تعدیل شده	خطای معیار برآورد
۱	۰/۵۷	۰/۳۲۹	۰/۳۱۸	۰/۶۷

جدول ۲ نشان می‌دهد، ضریب تبیین مهارت‌های شغلی دانشجویان و دانش آموختگان با توجه به نگرش آن‌ها نسبت به تحصیل و انتظارات شغلی آن‌ها در سطح آلفای ۰/۰۵ برابر با ۰/۳۲۹ R^2 می‌باشد. به این معنا که تقریباً ۳۳ درصد از واریانس مهارت‌های شغلی دانشجویان و دانش آموختگان از طریق بررسی نگرش و انتظارات شغلی دانشجویان و دانش آموختگان قابل تبیین است.

جدول ۳: ضرایب رگرسیونی

مدل	B	β	خطای استاندارد	t	P
مقدار ثابت	۰/۷۳۴		۰/۲۸۴	۲/۵۸	۰/۰۱۰
نگرش تحصیلی	۰/۶۸۹	۰/۵۵	۰/۰۶۶	۱۰/۴۳	۰/۰۰۰۱
انتظارات شغلی	۰/۰۸۹	۰/۰۴۹	۰/۰۹۵	۰/۹۳۲	۰/۳۵۲

جدول ۳ نیز نشان می‌دهد از بین متغیرهای پیش بین وارد شده در مدل رگرسیون، نگرش تحصیلی بهترین پیش بینی کننده انتظارات شغلی دانشجویان و دانش آموختگان است. ضریب بتای این مؤلفه ۰/۵۵ است و اثر مثبت معناداری بر پیش بینی انتظارات شغلی دارد، زیرا که در سطح معناداری ($P < ۰/۰۰۰۱$) نیز معنادار شده است. همچنین با توجه به جدول بالا، ضریب استاندارد مربوط به مؤلفه انتظارات شغلی دانشجویان و دانش آموختگان ۰/۰۴۹ می‌باشد که نشان دهنده این است که این متغیر قدرت پیش بین خیلی کمی در زمینه مهارت‌های شغلی دانش جویان و دانش آموختگان دارد.

سؤال سوم: آیا بین ادراک دانشجویان و دانش آموختگان مورد نظر نسبت به دروس نظری رشته تحصیلی خود با مهارت‌های شغلی کسب شده آن‌ها در طی دوره تحصیل، رابطه معنادار وجود دارد؟

با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون پاسخ این سؤال محاسبه و گزارش شده است.

جدول ۴: آزمون همبستگی بین ادراک دانشجویان و دانش آموختگان نسبت به دروس نظری رشته تحصیلی خود با مهارت‌های شغلی

همبستگی پیرسون	مهارت‌های شغلی کسب شده
ادراک دروس نظری	۰/۵۵۶
سطح معناداری	$P < ۰/۰۰۰۱$
تعداد	۲۷۷

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، بین ادراک از دروس نظری دانشجویان و دانش آموختگان و مهارت‌های شغلی آن‌ها در سطح معناداری ($P < ۰/۰۰۰۱$) رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین میزان همبستگی بین ادراک از

دروس نظری دانشجویان و دانش‌آموختگان و مهارت‌های شغلی آن‌ها، ۰/۵۵۶ می‌باشد. بدین ترتیب رابطه بین این دو متغیر در این پژوهش، تأیید می‌شود.

سؤال چهارم: آیا بین ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان مورد نظر نسبت به دروس عملی رشته تحصیلی خود با مهارت‌های شغلی کسب شده آن‌ها در طی دوره تحصیل، رابطه معنادار وجود دارد؟
برای پاسخ به این سؤال پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون^۴ استفاده شده است.

جدول ۵: آزمون همبستگی بین ادراک دانشجویان نسبت به دروس عملی با نگرش تحصیلی و مهارت‌های شغلی آن‌ها

مهارت‌های شغلی کسب شده	همبستگی پیرسون
۰/۵۴۵	ادراک دروس عملی
$P < ۰/۰۰۰۱$	سطح معناداری
۲۷۷	تعداد

با توجه به جدول بالا، آزمون همبستگی بین دو متغیر ادراک و نگرش دانشجویان و دانش‌آموختگان نسبت به دروس عملی و مهارت‌های شغلی کسب شده توسط آنها نشان داد که در سطح معنی‌داری ($P < ۰/۰۰۰۱$) و با ضریب همبستگی ۰/۵۴۵، رابطه مثبت و معناداری بین نگرش نسبت به دروس عملی و مهارت‌های شغلی دانشجویان و دانش‌آموختگان وجود دارد؛ به این معنا که هرچه دانشجویان و دانش‌آموختگان دانش‌کده کشاورزی از مهارت‌های شغلی بیش‌تری برخوردار می‌باشند، ادراک مثبت‌تری از دروس عملی موجود در برنامه درسی خود دارند.

سؤال پنجم: آیا بین ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان مورد نظر نسبت به دروس نظری رشته تحصیلی خود با نگرش تحصیلی و انتظارات شغلی آن‌ها رابطه معنادار وجود دارد؟

برای پاسخ به این سؤال پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون^۵ استفاده شده است.

جدول ۶: آزمون همبستگی بین ادراک دانشجویان نسبت به دروس نظری با نگرش تحصیلی و انتظارات شغلی آن‌ها

انتظارات شغلی	نگرش تحصیلی	متغیرها
۰/۳۷۵	۰/۶۱۵	ادراک از دروس نظری
$P < ۰/۰۰۰۱$	$P < ۰/۰۰۰۱$	سطح معناداری
۲۸۱	۲۸۲	تعداد

به منظور سنجش رابطه بین ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان دانش‌کده کشاورزی نسبت به دروس نظری موجود در برنامه درسی و نگرش به تحصیل و همچنین انتظارات شغلی آنها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید که نتایج این آزمون نشان داد که در سطح آلفای ($P < ۰/۰۰۰۱$) همبستگی مثبت و معناداری بین متغیرهای فوق وجود داشت. بین ادراک

^۴. Pierson

^۵. Pierson

دانشجویان و دانش‌آموختگان در زمینه دروس نظری و نگرش تحصیلی آنها همبستگی بالایی وجود داشت (ضریب همبستگی بین این دو متغیر تقریباً ۰/۶۵ می‌باشد)، به این معنا که هر چه ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان نسبت به دروس تئوری رشته خود بیشتر باشد به همان میزان نیز نگرش آنها نسبت به تحصیل و رشته تحصیلی خود بیشتر خواهد بود. همچنین از جمله نتایج دیگر آزمون بالا محاسبه ضریب همبستگی بین ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان نسبت به دروس نظری و انتظارات شغلی آنها بود که نتایج نشان داد، همبستگی تقریباً متوسطی بین این دو متغیر وجود دارد. لازم به ذکر است که ضریب همبستگی بین ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان نسبت به دروس نظری و انتظارات شغلی آنها، ۰/۳۷۵ می‌باشد.

سؤال ششم: آیا بین ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان مورد نظر نسبت به دروس عملی رشته تحصیلی خود با نگرش و انتظارات شغلی آنها رابطه معنادار وجود دارد؟

جدول ۷: آزمون همبستگی بین ادراک دانشجویان نسبت به دروس عملی با نگرش تحصیلی و انتظارات شغلی آنان

همبستگی پیرسون	نگرش تحصیلی	انتظارات شغلی
ادراک دروس عملی	۰/۴۴۹	۰/۲۶۹
سطح معناداری	$P < / ۰۰۰۱$	$P < / ۰۰۰۱$
تعداد	۲۸۲	۲۸۱

نتایج جدول بالا، نشان می‌دهد که در سطح معنی داری ($P < / ۰۰۰۱$) بین ادراک دانشجویان نسبت به دروس عملی موجود در برنامه درسی رشته خود و نگرش تحصیلی و انتظارات شغلی آنها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به این صورت که ضریب همبستگی بین ادراک دروس عملی و نگرش تحصیلی دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشکده کشاورزی ۰/۴۵ می‌باشد و این در حالی است که ضریب همبستگی بین دو متغیر ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان نسبت به دروس عملی و انتظارات شغلی آنها ۰/۲۷ می‌باشد. با توجه به نتایج دو جدول بالا مشخص می‌سازد که در زمینه نگرش تحصیلی و انتظارات شغلی دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران، دروس نظری همبستگی بیشتری نسبت به دروس عملی با متغیرهای فوق دارند.

سؤال هفتم: آیا بین دانشجویان و دانش‌آموختگان دختر و پسر مورد نظر در زمینه نگرش تحصیلی و انتظارات شغلی آنها تفاوت معنادار وجود دارد؟

به منظور آزمون سؤال بالا از آزمون t برای گروه‌های مستقل استفاده گردید که نتایج آن در جدول پایین بیان شده است.

جدول ۸: مقایسه میانگین نمرات دانشجویان و دانش‌آموختگان دختر و پسر در زمینه نگرش تحصیلی و انتظارات شغلی

متغیر	جنسیت	تعداد	میانگین	درجه آزادی	مقدار T	مقدار معناداری
نگرش تحصیلی	زن	۱۸۰	۲/۸۱	۲۸۱	۰/۹۲۱	$P = ۰ / ۰۹۹$
	مرد	۱۰۳	۲/۸۱			
انتظارات شغلی	زن	۱۷۹	۲/۹۶	۲۸۰	۰/۹۲۹	$P = ۰ / ۰۹۰$
	مرد	۱۰۳	۲/۹۷			

نتایج به دست آمده از جدول بالا نشان می‌دهد که در سطح آلفای ۰/۰۵ در زمینه نگرش تحصیلی و انتظارات شغلی دانشجویان و دانش‌آموختگان بین دو جنس تفاوت معناداری وجود ندارد. به عبارتی این نتیجه بیانگر این است که نگرش

تحصیلی و انتظارات شغلی دانشجویان و دانش‌آموختگان دختر و پسر دانشکده کشاورزی شبیه به هم بوده و تفاوت قابل توجهی باهم ندارند. میانگین نگرش هر دو گروه دانشجویان و دانش‌آموختگان دختر و پسر به تحصیل $2/81$ می‌باشد که نشان دهنده نگرش نزدیک آنها می‌باشد. همچنین میانگین انتظارات شغلی این دو گروه به ترتیب $2/96$ و $2/97$ می‌باشد.

سؤال هشتم: آیا بین ادراکات دانشجویان و دانش‌آموختگان دختر و پسر مورد نظر در ادراک از دروس نظری رشته تحصیلی خود تفاوت معنادار وجود دارد؟

برای مقایسه میانگین نمرات دو گروه از آزمون t برای گروه‌های مستقل استفاده شد.

جدول ۹: مقایسه میانگین نمرات دانشجویان و دانش‌آموختگان دختر و پسر نسبت به دروس نظری رشته تحصیلی خود

متغیر	جنسیت	تعداد	میانگین	درجه آزادی	مقدار t	مقدار معناداری
نگرش به دروس نظری	زن	۱۸۰	۲/۸۴	۲۸۰	- ۰/۳۴۷	$P=0/729$
	مرد	۱۰۲	۲/۸۷	۲۸۰		

جدول ۹ بیانگر این است که در زمینه نگرش دانشجویان و دانش‌آموختگان دختر و پسر نسبت به دروس نظری در سطح آلفای $0/05$ بین دو جنس تفاوت معناداری وجود ندارد. به این صورت که نگرش هر دو جنسیت نسبت به این موضوع یکسان می‌باشد. میانگین نگرش دانشجویان و دانش‌آموختگان دختر و پسر به ترتیب $2/84$ و $2/87$ می‌باشد.

سؤال نهم: آیا بین ادراکات دانشجویان و دانش‌آموختگان دختر و پسر مورد نظر از دروس عملی رشته تحصیلی خود تفاوت معنادار وجود دارد؟

جدول ۱۰: مقایسه میانگین نمرات دانشجویان و دانش‌آموختگان دختر و پسر نسبت به دروس عملی رشته تحصیلی خود

متغیر	جنسیت	تعداد	میانگین	درجه آزادی	مقدار t	سطح معناداری
نگرش نسبت به دروس عملی	زن	۱۸۰	۲/۸۲	۲۸۰	- ۰/۱۹۶	$P<0/729$
	مرد	۱۰۲	۲/۹۴	۲۸۰		

همچنین با توجه به جدول بالا، مشخص شد که در زمینه نگرش دانشجویان دختر و پسر نسبت به دروس عملی رشته خود در نتیجه ای مشابه با نگرش نسبت به دروس نظری، بین این دو گروه تفاوت معناداری مشاهده نشد (مقدار آزمون t برابر با $-0/196$ می‌باشد). به این معنی که نگرش این دو گروه نسبت به دروس عملی شبیه می‌باشد. میانگین نگرش دانشجویان و دانش‌آموختگان دختر و پسر نسبت به دروس عملی به ترتیب $2/82$ و $2/94$ می‌باشد.

سؤال دهم: آیا بین ادراکات دانشجویان و دانش‌آموختگان دختر و پسر مورد نظر نسبت به مهارت‌های شغلی و حرفه ای کسب شده آن‌ها در طی دوره تحصیلی، تفاوت معنادار وجود دارد؟

برای پاسخ به این سؤال نیز از آزمون t برای گروه‌های مستقل انجام شده است.

جدول ۱۱: مقایسه میانگین نمرات مهارت‌های شغلی دانشجویان و دانش‌آموختگان دختر و پسر

متغیر	جنسیت	تعداد	میانگین	درجه آزادی	مقدار t	مقدار معناداری
مهارت‌های شغلی	زن	۱۷۸	۲/۹۷	۲۷۶	۰/۴۳۰	$P=0/790$
	مرد	۱۰۰	۲/۸۹	۲۷۶		

نتایج حاصل از آزمون t دو گروه مستقل بالا نشان دهنده این می‌باشد که در زمینه مهارت‌های شغلی بین دانشجویان و دانش‌آموختگان دختر و پسر دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز در سطح آلفای $0/05$ تفاوت معنی‌داری مشاهده نگردید. میانگین این دو گروه به ترتیب $2/97$ و $2/89$ و مقدار t محاسبه شده $0/430$ می‌باشد آزمون بالا نشان دهنده این

است که با وجود اینکه میانگین پسران نسبت به دختران این دانشکده در زمینه مهارت‌های شغلی بیشتر است ولی این تفاوت را نمی‌توان معنی‌دار تلقی کرد.

سؤال یازدهم: آیا بین دانشجویان و دانش‌آموختگان دختر و پسر رشته‌های مورد نظر در زمینه انتظارات شغلی آن‌ها تفاوت معنادار وجود دارد؟

برای پاسخ به این سؤال از تحلیل واریانس دو عاملی استفاده شد و نتایج آن در جداول ۱۳-۴ و ۱۴-۴ گزارش شده است.

جدول ۱۲: میانگین و انحراف استاندارد انتظارات شغلی نمونه به تفکیک جنسیت و رشته

جنسیت	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	فراوانی
زن	باغبانی	۳/۰۴	۰/۳۰	۴۳
	زراعت و اصلاح نباتات	۳/۰۴	۰/۳۷	۴۱
	خاک‌شناسی	۲/۷۷	۰/۵۳	۴۱
	گیاه‌پزشکی	۲/۹۹	۰/۴۶	۳۰
	مهندسی مکانیک و ماشین آلات	۲/۹۸	۰/۴۸	۲۴
	کل	۲/۹۶	۰/۴۴	۱۷۹
پسر	باغبانی	۲/۹۳	۰/۵۰	۱۳
	زراعت و اصلاح نباتات	۲/۸۴	۰/۴۱	۱۰
	خاک‌شناسی	۳/۰۶	۰/۴۲	۱۸
	گیاه‌پزشکی	۲/۸۶	۰/۵۷	۱۶
	مهندسی مکانیک و ماشین آلات	۳	۰/۴۶	۴۶
	کل	۲/۹۷	۰/۴۷	۱۰۳

مطابق جدول ۱۲ بیشترین میانگین در مؤلفه انتظارات شغلی متعلق به پسران گروه خاک‌شناسی با میانگین ۳/۰۶ است و کم‌ترین میانگین در این مؤلفه مربوط به دانشجویان و دانش‌آموختگان دختر گروه خاک‌شناسی با میانگین ۲/۷۷ می‌باشد. نکته قابل توجه در جدول بالا این است که بیش‌ترین و کم‌ترین میانگین در زمینه انتظارات شغلی به دانشجویان و دانش‌آموختگان گروه خاک‌شناسی اختصاص دارد. لازم به ذکر است که میانگین کل دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران ۲/۹۷ می‌باشد.

جدول ۱۳: مقایسه میانگین انتظارات شغلی گروه نمونه

منابع	مجموع مربعات	درجه آزادی	مربع میانگین	F	سطح معنا داری
مدل اصلاح شده	۲/۶	۹	۰/۲۸۹	۱/۴۵۱	$P=۰/۱۶۷$
مقدار ثابت	۱۸۷۸/۷۶	۱	۱۸۷۸/۷۵۶	۹۴۲۹/۵۱	$P<۰/۰۰۰۱$
جنسیت	۰/۰۳۰	۱	۰/۰۳۰	۰/۱۵۲	$P=۰/۶۹۷$
رشته	۰/۲۲۱	۴	۰/۰۵۵	۰/۲۷۷	$P=۰/۸۹۳$
جنسیت و رشته	۱/۶۵۷	۴	۰/۴۱۴	۲/۰۸	$P=۰/۸۹۳$
خطا	۵۴/۱۹۴	۲۷۲	۰/۱۹۹		$P=۰/۰۸۴$
جمع	۲۵۳۲/۳	۲۸۲			

مطابق جدول ۱۳ بررسی آماری تحلیل واریانس دو عاملی نشان می‌دهد که در سطح آلفای ۰/۰۵ اثر اصلی عامل جنسیت و اثر اصلی عامل رشته بر انتظارات شغلی دانشجویان و دانش‌آموختگان معنادار نیست. مقدار F این دو عامل به ترتیب ۰/۱۵۲ و ۰/۲۷۷ می‌باشد. همچنین با توجه به آزمون تحلیل واریانس دو راهه بالا مشخص گردید که اثر تعامل این دو عامل جنسیت و رشته نیز با یکدیگر بر متغیر وابسته معنی‌دار نبوده است، مقدار F این اثر تعاملی ۲/۰۸ می‌باشد. با توجه به اینکه هیچکدام از متغیرهای اصلی و تعاملی معنی‌دار نیست، نیاز به انجام آزمون تعقیبی جهت مشاهده تفاوت‌ها وجود نداشت.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به این که در زمان حاضر، پدیده اشتغال به عنوان موضوع مهمی در همه زمینه‌ها مطرح است، و وقتی که این موضوع مربوط به افراد تحصیل کرده و دانشگاهی باشد اهمیت آن بیشتر خواهد شد و با توجه به اینکه نرخ بیکاری در سال‌های اخیر روند صعودی داشته است بنابراین ضرورت و اهمیت پرداختن به موضوع اشتغال دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاهی بیش از پیش احساس می‌شود. لذا توجه و سنجش میزان درک دانشجویان از رشته تحصیلی خود و اینکه تا چه اندازه رشته تحصیلی دانشجویان با نیازهای بازارکار و صنعت همخوانی داشته و متناسب با آنها طراحی شده است و همچنین سنجش میزان توانمندی محتوای دروس آموزش داده شده در دانشگاه، جهت آماده سازی دانشجویان برای ورود به بازار کار از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد.

در این پژوهش دریافتیم که نگرش تحصیلی بهترین پیش‌بینی کننده انتظارات شغلی دانشجویان و دانش‌آموختگان است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که به هر میزانی که دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی، نسبت به رشته تحصیلی خود دید مثبت‌تری داشته باشند، به همان میزان می‌توانند در بازار کار وارد شده و اشتغال یابند. بنابراین به نظر می‌رسد، زمانی که دانشجویان و دانش‌آموختگان نسبت به توانایی خود که حاصل از رشته تحصیلی و آموزش‌ها و مهارت‌های کسب شده در دانشگاه می‌باشد، آشنایی مطلوب و نگرش مثبتی داشته باشند، با اعتماد به نفس بالایی وارد دنیای بازارکار می‌شوند و متناسب با همین نگرش، مهارت‌های شغلی متناسب و مرتبط نیز در وجود آنها پرورش می‌یابد. و شانس اشتغال آن‌ها را افزایش می‌دهد. این یافته با نتایج پژوهش‌های مقدم (۱۳۹۲)، دهقان و سوهانی دربان و فکری (۱۳۹۰)، اکبری و همکاران (۱۳۸۸)، ولیگامیج (۲۰۰۹)، نورتون (۲۰۰۸) همسو و در یک راستا می‌باشد؛ به گونه‌ای که در راستای تأیید نتیجه بالا، همه پژوهش‌های فوق ادراک و نگرش جامعه آماری را یکی از عوامل اساسی مرتبط با توسعه مهارت‌های شغلی دانسته‌اند. همچنین دریافتیم که بین ادراک از دروس نظری دانش‌آموزان و دانش‌آموختگان و مهارت‌های شغلی آن‌ها رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. تحلیل این سؤال نشان می‌دهد که در راستای نتیجه سؤال قبلی، مسؤلان آموزش عالی می‌توانند با توجه کردن به نقش ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان از دروس نظری رشته تحصیلی آن‌ها و ارائه راه کارهایی برای بالابردن درک آن‌ها، و در راستای تناسب بین رشته تحصیلی و مهارت‌های شغلی که این افراد در طول تحصیل کسب خواهند کرد گام مهمی بردارند

از سوی دیگر، آزمون همبستگی بین دو متغیر ادراک و نگرش دانشجویان و دانش‌آموختگان نسبت به دروس عملی و مهارت‌های شغلی کسب شده توسط آن‌ها در طول دوره تحصیل، نشان داد که رابطه مثبت و معناداری میان نگرش نسبت به دروس عملی و مهارت‌های شغلی دانشجویان و دانش‌آموختگان وجود دارد. در تحلیل این سؤال می‌توان به این موضوع اشاره کرد که دروس عملی با توجه به شباهتی که با دنیای بازارکار و صنعت دارند در زمینه مهارت‌های شغلی عامل مهمی می‌باشند، به این صورت که میزان شباهت موجود بین این دو موقعیت خود دلیل مهم و قانع‌کننده‌ای برای تأیید نتیجه این سؤال می‌باشد. نتایج این سؤال در راستای پژوهش‌های صورت گرفته توسط مقدم (۱۳۹۲)، دهقان و سوهانی دربان و فکری (۱۳۹۰)، سعیدی رضوانی و همکاران (۱۳۸۹)، محمدزاده نصرآبادی و همکاران (۱۳۸۵)، نورتون (۲۰۰۸) می‌باشد.

از دیگر یافته‌های این پژوهش این بود که بین ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان جامعه آماری، از دروس نظری و نگرش تحصیلی آنها همبستگی بالایی وجود دارد (ضریب همبستگی بین این دو متغیر تقریباً ۰/۶۵ می‌باشد)، به این معنا که هر چه ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان نسبت به دروس نظری رشته خود مثبت‌تر باشد به همان میزان نیز نگرش تحصیلی آن‌ها، مثبت‌تر خواهد بود. همچنین مشخص شد که همبستگی تقریباً متوسطی بین ادراک دانشجویان و دانش‌آموختگان نسبت به دروس نظری و انتظارات شغلی آنها وجود دارد. در تحلیل نتیجه بخش اول سؤال بالا، می‌توان به این نکته اشاره کرد که نوع ادراک دانشجویان از دروس نظری نیز مانند دروس عملی در نگرش آن‌ها به تحصیل، نقش مؤثری دارد. بنابراین این یافته نشان می‌دهد که به منظور پرورش و تقویت نگرش دانشجویان و دانش‌آموختگان نسبت به رشته تحصیلی، مسئولان مربوطه و افرادی که در زمینه آموزش عالی فعالیت دارند، باید به دروس نظری و نوع محتوایی که در آن‌ها به دانشجویان عرضه می‌شود حساسیت زیادی نشان دهند. همچنین در تحلیل بخش دوم سؤال بالا می‌توان گفت که دروس نظری و محتوای آن‌ها که همواره سعی در معرفی نظریه‌های جدید در رشته تحصیلی و به طور کلی کاربردهای یک رشته تحصیلی برای جامعه و بازار کار دارد، باعث می‌شود که نوعی انتظار شغلی در این افراد شکل گیرد؛ به این معنی که دانشجویان و دانش‌آموختگان درک خواهند کرد که به محض دانش آموخته شدن توانایی احراز چه نوع شغل‌هایی را خواهند داشت.

در زمینه نگرش تحصیلی و انتظارات شغلی دانشجویان و دانش‌آموختگان دختر و پسر بین دو جنس تفاوت معناداری وجود ندارد، به عبارتی این نتیجه بیانگر این است که نگرش تحصیلی و انتظارات شغلی دانشجویان و دانش‌آموختگان دختر و پسر دانشکده کشاورزی شبیه به هم بوده و تفاوت قابل توجهی باهم ندارند. به نظر می‌رسد یکی از عواملی که توجیه‌کننده نتیجه بالا می‌باشد، ماهیت خاص رشته‌های کشاورزی است، به این صورت که ویژگی‌های خاص این رشته به گونه‌ای است که نگرش و انتظارات شغلی که از آن حاصل می‌شود برای هر دو جنسیت یکسان می‌باشد. به عبارت دیگر، با توجه به این که رشته کشاورزی با طبیعت زنده ارتباط داشته و بیش‌تر، ماهیت عملی دارد و دانشجویان در هنگام ورود به دانشگاه، با این ویژگی آشنا هستند، به نظر می‌رسد عدم تفاوت بین جنسیت آن‌ها، در زمینه نگرش تحصیلی و انتظارات شغلی در هنگام تحصیل و بعد از دانش‌آموخته شدن، طبیعی و قابل توجیه می‌باشد. یعنی دانشجویان و دانش‌آموختگان پسر و دختر، نگرش تحصیلی و انتظارات شغلی یکسانی از این رشته دارند. این یافته بر خلاف نتایج پژوهش‌های مقدم (۱۳۹۲)، سعیدی رضوانی و همکاران (۱۳۸۹)، خسروی پور و منجم زاده (۱۳۸۹) می‌باشد، مقدم در پژوهش خود به این نتیجه رسیده بود که عامل جنسیت در متغیرهای فوق تأثیر گذار می‌باشد

یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش نشان داد که در زمینه نگرش تحصیلی دانشجویان و دانش‌آموختگان دختر و پسر نسبت به دروس نظری و عملی و مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای کسب شده طی دوره تحصیلی خود، بین دو جنس تفاوت معناداری وجود ندارد. همان‌طور که در توضیحات مربوط به سؤال قبلی اشاره شد، دلیل این عدم اختلاف مربوط به ماهیت خاص رشته کشاورزی (ارتباط با طبیعت زنده و عملی بودن رشته و آشنایی دانشجویان با این موضوع) می‌باشد. به گونه‌ای که دروس نظری و عملی که در دانشکده کشاورزی تدریس و ارائه می‌گردد، به گونه‌ای متفاوت از سایر دانشکده‌های دیگر می‌باشد. نتایج این یافته با نتیجه پژوهش مقدم (۱۳۹۲)، سعیدی رضوانی و همکاران (۱۳۸۹)، خسروی پور و منجم‌زاده (۱۳۸۹) هم‌راستا و در یک جهت نمی‌باشد.

اثر تعامل دو عامل جنسیت و رشته تحصیلی نیز با یکدیگر بر متغیر وابسته معنی‌دار نبوده است. تحلیل این سؤال نشان دهنده این نکته است که در بین دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشکده کشاورزی نه تنها عامل جنسیت در نحوه شکل‌گیری انتظارات شغلی آن‌ها تأثیری ندارد، بلکه رشته تحصیلی و تعامل بین جنسیت و رشته نیز بی‌تأثیر بوده است. بنابراین می‌توان گفت نوع علاقه و شخصیت افرادی که وارد این رشته می‌شوند و همچنین دید کلی آنها نسبت به رشته تحصیلی خود (به طور کلی کشاورزی نه رشته‌های مختلف آن) به گونه‌ای تأییدی بر یافته‌های فوق می‌باشند. لازم به ذکر است که نتایج

این یافته با نتیجه پژوهش‌های مقدم (۱۳۹۲)، سعیدی رضوانی و همکاران (۱۳۸۹)، خسروی پور و منجم زاده (۱۳۸۹) در یک راستا نمی‌باشد، به این صورت که تمام این پژوهش‌ها به گونه‌ای به این نتیجه رسیده بودند که عوامل جنسیت و رشته تحصیلی در شکل‌گیری نگرش دانشجویان و دانش‌آموختگان مؤثر می‌باشد و حال آنکه در این پژوهش این عوامل بی‌تأثیر بودند.

منابع فارسی

- آقداود، سید رسول (۱۳۸۹). **چالش‌های اساسی نظام آموزش عالی کشور**، همایش چالش‌های مدیریت و رهبری در سازمان‌های ایرانی. اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات اصفهان، ۱۱-۱.
- اکبری، رویا؛ موحدی، رضا؛ کوچکیان، حورا (۱۳۸۸). بررسی نگرش دانشجویان کشاورزی نسبت به اشتغال در بخش کشاورزی. **پژوهش آموزش ترویج کشاورزی**، سال دوم، شماره ۴، ۱۰۲-۹۱.
- باقری، یوسف؛ اسدی، حسن؛ حمیدی، مهرزاد (۱۳۸۸). مطالعه نگرش دانشجویان نسبت به عملکرد انجمن‌های ورزشی دانشجویی دانشگاه‌های شهر تهران، **نشریه‌ی مدیریت ورزشی**، شماره ۳، ۹۵-۷۵.
- باقری‌نژاد، جعفر (۱۳۸۹). رویکرد سیستمی به کیفیت در آموزش عالی در چارچوب نظام نوآوری ملی. **نشریه صنعت و دانشگاه**، سال سوم، شماره ۸ و ۷، ۲۳-۱۳.
- حکمتی، حسین؛ فیروزآبادی، مجید (۱۳۹۰). **بررسی وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان کشاورزی استان کرمان**، همایش ملی اشتغال دانش‌آموختگان بخش کشاورزی و منابع طبیعی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۸-۱.
- خسروی پور، بهمن؛ منجم‌زاده، زهره (۱۳۸۹). بررسی دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی در خصوص عوامل و موانع مؤثر در کارآفرینی و اشتغال دانش‌آموختگان. **فصلنامه تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران**. سال چهل و دوم، شماره ۱، ۱۱۶-۱۰۵.
- دارابی، محسن؛ برزویان دستجردی، احسان (۱۳۹۰). **بررسی وضعیت اشتغال پایدار فارغ‌التحصیلان کشاورزی و چالش‌های موجود**، همایش ملی اشتغال دانش‌آموختگان بخش کشاورزی و منابع طبیعی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۷-۱.
- دهقان، سهراب؛ سوهانی‌دریان، علیرضا؛ فکری، لاله (۱۳۹۰). **بررسی چالش‌های موجود در جذب فارغ‌التحصیلان رشته کشاورزی در بازار کار**. ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی. مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۵-۱.
- دیبا واجاری، طلعت؛ یمنی‌دوزی سرخابی، محمد؛ عارفی، محبوبه؛ فردانش، هاشم (۱۳۹۰). مفهوم پردازی الگوهای برنامه ریزی درسی آموزش عالی (تجربیات و دستاوردها)، **فصلنامه پژوهش در برنامه ریزی درسی**، سال هشتم، دوره ۳۰، شماره ۱، ۶۲-۴۸.
- سعیدی‌رضوانی، محمود؛ محمدحسین‌زاده، معصومه؛ باغلی، حسین (۱۳۸۹). سرنوشت شغلی فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد. **فصلنامه مطالعات تربیتی و روان‌شناسی**، ۱۱(۲)، ۵۷-۸۶.
- شادفر، حوریه؛ لیاقت‌دار، محمدجواد؛ شریف، مصطفی (۱۳۹۱). بررسی میزان انطباق برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه ریزی آموزشی با نیازهای دانشجویان. **پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی**. دوره ۱۷، شماره ۶۴، ۱۴۶-۱۲۳.
- شرح شریفی، آریتا (۱۳۹۱). بررسی کارایی و تناسب آموزش‌های ارائه شده در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی با نیازهای آموزشی جهت ایجاد و ارتقاء کارآفرینی. **ماهنامه مهندسی مدیریت**. سال پنجم، شماره ۴۶، ۶۲-۵۳.

- طاعتی، مهکامه؛ بهرامی، محسن (۱۳۸۸). بررسی مقایسه ای عوامل مؤثر در آینده مدیریت علم و فناوری ایران تا افق ۱۴۰۴ از دیدگاه متخصصان و سیاست‌گذاران. **سیاست علم و فناوری**. سال دوم، شماره ۲، ۶۲-۴۷.
- عالی، مرضیه؛ حسین قلی‌زاده، رضوان (۱۳۸۸). نقد و ارزیابی برنامه درسی رشته علوم تربیتی: گرایش مدیریت و برنامه ریزی آموزشی). **نامه آموزش عالی**. سال دوم، شماره ۸، ۵۱-۳۵.
- فرجی‌ارمکی، اکبر؛ دشتکی، محدثه (۱۳۹۰). دیدگاه اعضای هیات علمی و دانشجویان رشته پزشکی درباره برنامه درسی در مقطع علوم پایه، **فصلنامه راهبردهای آموزش**، دوره ۴، شماره ۳، ۱۰۷-۱۱.
- فصلنامه آمارکار (۱۳۹۱). **اخبار دانشگاه‌ها و مراکز آماری**. سال بیستم، شماره ۷۷، ۲۱-۱۹.
- فیض پور، محمد علی و همکاران (۱۳۹۰). **بررسی میزان اثربخشی برنامه های مصوب درسی آموزش عالی در بازار کار**، اولین همایش ملی آموزش در ایران ۱۴۰۴، تهران، پژوهشکده سیاستگذاری علم، فناوری و صنعت، ۱۹-۱.
- محمدزاده نصرآبادی، مهناز؛ پزشکی‌راد، غلامرضا؛ چیدری، محمد (۱۳۸۵). **وضعیت اشتغال، توانمندی شغلی و موفقیت شغلی دانش آموختگان آموزشگاه‌های عالی علمی و کاربردی در بخش کشاورزی**. پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. شماره ۳۹، ۹۸-۷۹.
- محمدخانی، خدیجه (۱۳۸۲). **بررسی روند بازار کار با تاکید بر وضعیت فعالیت فارغ التحصیلان آموزش عالی در استان های مختلف کشور**. پایان نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه تهران.
- مظفری، فاروق‌امین؛ شمسی، لقمان (۱۳۹۰). بررسی روش‌ها و رویکردهای تجاری‌سازی تحقیقات دانشگاهی؛ مطالعه موردی دانشگاه تبریز. **فصلنامه سیاست علم و فناوری**، سال سوم، شماره ۴، ۲۹-۱۵.
- مقدم، فاطمه (۱۳۹۲). **بررسی نگرش دانشجویان و دانش آموختگان کارشناسی ارشد گروه علوم تربیتی دانشگاه شهیدچمران اهواز درباره نقش برنامه های درسی رشته تحصیلی خود، بر رشد مهارت های شغلی شانس اشتغال آنها**. پایان نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه شهید چمران اهواز.
- نظری‌کتولی، علی؛ رحمانی، رامین (۱۳۸۰). **چالش های اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاه ها. ماهنامه تدبیر**. شماره ۱۵۳، ۳۸-۳۳.
- هال، د. (۱۳۷۳). **توسعه اقتصادی و آموزش عالی**. مترجم شیرازی بهشتی. **فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی**، سال دوم، شماره ۱، ۱۹۳-۱۷۷.

References

- Badat, s. (۲۰۰۹). **The role of higher education in society: Valuing Higher Education: University of Cape Town Graduate School of Business Waterfront, Cape Town**. <http://www.academia.edu/۲۳۸۹۱۵۰>
- Buchmann, C. Hannum, E. (۲۰۰۱). Education and stratification in developing countries: A review of theories and research. **Annual review of sociology**. Nom; ۲۷. pp: ۷۷-۱۰۲.

- Council of labor affairs of the executive Yuan of Taiwan (۲۰۰۵). **employed workers and earning**. retrieved from www.satadb.cla.gov.tw/psdn/query.
- Eaton, Judith. S. (۲۰۰۶). **Before the The Secretary of Education's Commission on the Future of Higher Education**. Washington DC, Council for Higher Education Accreditation. <http://www2.ed.gov/about/bdscomm/list/hiedfuture/reports.html>
- Gerber, T. P., Schaefer, D., R. (۲۰۰۴) Horizontal Stratification of Higher Education in Russia: Trends, Gender Differences, and Labor Market Outcomes. **Sociology of Education**. Vol. ۷۷, No. ۱, pp. ۳۲-۵۹.
- Global management education graduate survey (۲۰۱۲). **Graduate management admission council**, available at: <http://www.gmac.com>.
- Li, F., Morgan, W. J., Ding, X. (۲۰۰۸). The expansion of higher education, employment and over-education in China. **International Journal of Educational Development** ۲۸, pp: ۶۸۷-۶۹۷
- Lin, M. J. (۲۰۱۱). Women's aspirations for graduate education in Taiwan . **International Journal of Educational Development**. Vol ۳۱, Iss ۵, pp: ۵۱۵-۵۲۳
- Norton, T. (۲۰۰۸) Graduate employment and earnings: are universities meeting student expectations? . **Unassigned**. vol ۱. pp. ۱-۲۷.
- Sparrow, J.; Tarkowski, K.; Lancaster, N. & Mooney, M. (۲۰۰۹). Evolving knowledge integration and absorptive capacity perspectives upon university-industry interaction within a university. **Education Training**, Vol. ۵۱, No. ۸/۹, pages ۶۴۸-۶۶۴.
- Speziale, M.T. (۲۰۱۲). Differentiating Higher Education Accountability in the Global Setting: A Comparison Between Boston University and University of Bologna, **Procedia: Social & Behavioral Sciences**, vol. ۴۷, ۲۰۱۲, ۱۱۵۳-۱۱۶۳, ISSN: ۱۸۷۷-۰۴۲۸, doi:۱۰.۱۰۱۶/j.sbspro.۲۰۱۲.۰۶.۷۹۴.
- Treleaven, L., & Voola, R. (۲۰۰۸). Integrating the development of graduate attributes through constructive alignment. **Journal of Marketing Education**, ۳۰, ۱۶۰-۱۷۳. doi:۱۰.۱۱۷۷/۰۲۷۳۴۷۵۳۰۸۳۱۹۳.۵۲
- Vasil, V. (۲۰۱۱). Crisis impact on employment and mobility model of the Romanian university graduates. **Procedia Economics and Finance** ۳, pp: ۳۱۵ - ۳۲۴
- Weligamage, S . S. (۲۰۰۹). Graduates' Employability Skills :Evidence from Literature Review". **Lecturer, Department of Accountancy ,university of kelaniyasrilanka**. pp: ۱۱۵-۱۲۵.